

فصلنامه علمی - پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز

سال پنجم شماره ۱۷ بهار ۱۳۸۹

تأثیر اطلاعات حاشیه‌ای و محوری و گذشت زمان بر حافظه فلاش بالب

دکتر حسین زارع - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور، گروه روانشناسی
ناهید قنبریها - کارشناس ارشد روانشناسی دانشگاه پیام نور

چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی اثر گذشت زمان و اطلاعات حاشیه‌ای و محوری بر حافظه فلاش بالب انجام شده است. در این پژوهش با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای ۵۴۵ نفر از افراد در سطح شهر تهران انتخاب شدند سپس با استفاده از پرسشنامه‌ی ارزیابی حافظه‌ی فلاش بالب (FBQ) عملکرد آزمودنی‌ها در این حافظه مورد بررسی قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از آزمون t و χ^2 دو بررسی شد. نتایج نشان دادند بین اطلاعات حاشیه‌ای و محوری در تشکیل حافظه فلاش بالب تفاوت وجود دارد. همچنین نتایج نشان داد که گذشت زمان تأثیری بر حافظه‌ی فلاش بالب نداشته است. می‌توان نتیجه گرفت که اطلاعات محوری بهتر از اطلاعات حاشیه‌ای یادآوری گردید.

واژگان کلیدی: حافظه فلاش بالب، اطلاعات حاشیه‌ای، اطلاعات محوری.

مطالعات مربوط به حافظه در چند دهه‌ی اخیر از دقت و توجه خاصی برخوردار شده است. در این راستا پژوهشگران به بررسی نوعی از حافظه که به یادآوری روشن به همراه جزئیات یک واقعه مهم، هیجان‌آور و تعجب‌آور مربوط می‌شود پرداخته‌اند. این نوع حافظه را براون کولیک^۱ (۱۹۷۷) حافظه‌ی فلاش بالب نامیدند. وقایعی نظیر ازدواج، مرگ یکی از بستگان و دوستان، بلایای طبیعی (سیل، زلزله) و قتل شخصیت‌های مهم از جمله حوادثی هستند که همراه با جزئیات در حافظه رم‌گردانی می‌شود و هفته‌ها و ماه‌ها بعد قابل بازیابی از حافظه است در مطالعات مربوط به حافظه‌ی فلاش بالب مورد بررسی قرار می‌گیرد. براساس نظر براون و کولیک (به نقل از اسمیت^۲ و کاسلین^۳، ۲۰۰۹) هفت مقوله اطلاعاتی در حافظه‌ی فلاش بالب بازیابی می‌شود: مکان، زمان، راوی خبر، فعالیت جاری، واکنش عاطفی فرد، واکنش عاطفی دیگران و پیامد. که پس از گذشت مدت‌ها این اطلاعات همچنان در حافظه‌ی فرد باقی‌مانده و یادآوری می‌شود. علت تشکیل چنین حافظه‌ای از نظر برخی از محققان وجود مکانیسم‌های خاصی در نظام‌شناختی انسان است. آنها معتقدند وجود مؤلفه‌های مهمی مانند تازگی، اهمیت پیامد و برانگیختگی هیجانی در حافظه فلاش بالب سبب تمایز آن از حافظه‌های عادی می‌شود. در حالی که برخی دیگر از محققان بر این باورند که حافظه فلاش بالب یک حافظه‌ی بازسازی شده است. بدین صورت که اصل حادثه با حافظه‌ها و داستان‌های نادرستی همراه می‌شود و هیجان‌ات شدید انسان را برمی‌انگیزد تا داستان را بیشتر تکرار کند و در جستجوی اطلاعات بیشتر در مورد رویداد باشد و به تدریج سناریوی بازسازی شده خود را تکمیل کند (کرمی نوری، ۱۳۸۳).

کان وی و همکاران (۱۹۹۴) استدلال کردند که حافظه‌ی فلاش بالب به سه فرآیند اصلی به اضافه یک فرآیند اختیاری وابسته است:

۱- دانش قبلی: این فرآیند به ارتباطدهی یک رویداد با ساختارهای قبلی حافظه کمک

1- Brown Kulik
3- Kosslyn

2- Smith-

می‌کند؛ ۲- اهمیت شخصی: هر رویدادی باید برای فرد حائز اهمیت باشد؛ ۳- حالت احساسی عاطفی و تعجب: هر رویدادی باید یک واکنش عاطفی ایجاد کند؛ ۴- مرور ذهنی آشکار: این فرآیند، اختیاری است.

همچنین کریستین سون^۱ (۱۹۸۹) بین دو دسته از اطلاعات تمایز قائل شده است: اطلاعات محوری که به منبع برانگیختگی هیجان و اصل رویداد مربوط می‌شود و با گذشت زمان ثبات بیشتری دارد و اطلاعات حاشیه‌ای که پیرامون منبع برانگیختگی هیجانی هستند و با گذشت زمان از ثبات کمتری برخوردار است. پژوهشگران برای بررسی حافظه‌ی فلاش بالب از دو روش استفاده می‌کنند: در روش اول بدون در نظر گرفتن رویداد خاصی از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود که روشن‌ترین خاطرات و وقایع پیرامونی آن را یادآوری و توصیف کنند این روش در شناسایی رویدادهایی که منجر به تشکیل حافظه فلاش بالب می‌شود به ما کمک می‌کند. در روش دوم، رویداد خاصی از طرف پژوهشگر انتخاب شده و از آزمودنی‌ها خواسته می‌شود وقایع پیرامون آن رویداد را یادآوری کنند در این روش چون رویداد واحدی توسط آزمودنی‌ها یادآوری می‌شود امکان مقایسه‌ی آنها با یکدیگر وجود دارد (جدی و کرمی نوری، ۱۳۷۸). لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر از روش اول استفاده شده است. مطالعات حافظه‌ی فلاش بالب نشان داد که رویدادهای ناراحت‌کننده و هیجانی بهتر از رویدادهای خنثی در حافظه حفظ می‌شود (براون و کولیک، ۱۹۷۷؛ کریستین سون، ۱۹۸۹). در بررسی‌های مربوط به رویدادهای هیجانی در زندگی نشان داده شد افرادی که شاهد رویداد هیجانی بودند اطلاعات محوری رویداد را بهتر از اطلاعات حاشیه‌ای یادآوری کردند و در رویدادهای خنثی الگوی متفاوتی به دست آمد بدین صورت که اطلاعات حاشیه‌ای بهتر از اطلاعات محوری یادآوری شد (کریستین سون، ۱۹۸۹؛ کریستین سون و لفتوس^۲، ۱۹۸۷). بارنیر^۳ و همکاران (۲۰۰۸) با جمع‌بندی چند پژوهش به بیان این نکته پرداختند که

1- Christianson
3- Barnier

2- Loftus

اطلاعات محوری بهتر از اطلاعات حاشیه‌ای بازیابی می‌شود. در پژوهشی یارمی^۱ و بول^۲ (۱۹۷۸) حافظه‌ی فلاش بالب را ۱۲ سال بعد از ترور جان. اف. کندی مطالعه کردند به نظر آنها یادآوری رویدادهای گذشته به میزان اهمیت و مربوط بودن رویداد به فرد، بستگی دارد که پس از گذشت زمان طولانی نیز با جزئیات یادآوری می‌شود.

کان وی^۳ و همکاران (۱۹۹۴) در مطالعه‌ی حافظه‌ی فلاش بالب استغفای مارگارت تاچر را بررسی کردند نتایج نشان داد مؤلفه‌های هیجان، اهمیت، تحیر، مرور و دانش قبلی در رمزگردانی حافظه‌ی فلاش بالب دخالت دارد و چون این مؤلفه‌ها در تشکیل حافظه، بسیار منسجم عمل می‌کنند حافظه‌ی فلاش بالب به صورت خاص شکل می‌گیرد. در پژوهشی ویور^۴ (۱۹۹۳) حافظه‌ی فلاش بالب و حافظه‌ی عادی را در مورد دستور بوش برای بمباران عراق و یک رویداد عادی بررسی کرد. در مطالعه او رویدادهای عادی و شخصی مانند رویداد فلاش بالب با وضوح و صحت کامل یادآوری شدند وی مطرح کرد کارکردی که فلاش بالب دارد این است که موجب افزایش سطح اطمینان به پاسخ‌های حافظه‌ی فلاش بالب با گذشت زمان می‌شود. جدی و کرمی نوری (۱۳۷۸) در مطالعه‌ی حادثه زلزله اردبیل و بیرجند را مورد بررسی قرار دادند. در این مطالعه آزمودنی‌ها با توجه به میزان درگیری در زلزله به سه گروه تقسیم شدند. درگیری زیاد، درگیری متوسط، درگیری کم. نتایج نشان داد که عملکرد یادآوری آزمودنی‌ها در درگیری زیاد و متوسط بهتر از گروه سوم بود. همچنین اطلاعات محوری (زمان، مکان، فعالیت جاری، فرد همراه) از اطلاعات حاشیه‌ای (واکنش دیگران، لباس، اولین فکر فرد) بهتر به یادآورده شد و در طول زمان با ثبات بیشتری باقی ماند و عملکرد گروه سوم در اطلاعات حاشیه‌ای نسبت به دو گروه دیگر بهتر بود. کاویلاشویلی^۵، میرانی^۶، اسکلامن^۷، کوربرات^۸ (۲۰۰۳) حافظه‌ی فلاش بالب را برای مرگ پرنسس دایانا و حمله‌ی تروریست‌ها

1- Yarmey

3- Conway

5- Kvaivilashvili

7- Schlagman

2- Bull

4- Weaver

6- Mirani

8- Korbrot

در ۱۱ سپتامبر بین آزمودنی‌های ایتالیایی و بریتانیایی بررسی کردند. برای بریتانیایی‌ها هر دو رویداد مشروح، خاص و روشن بود به رغم اینکه مرگ دینا ۴ سال پیش از تست گرفتن بود و حمله ۱۱ سپتامبر ۳ ماه قبل از آزمون بود. در صورتی که در آزمودنی‌های ایتالیایی خاطرات ۱۱ سپتامبر خیلی روشن‌تر از خاطرات مرگ دینا بود. لی و براون (۲۰۰۳) نیز نتایج مشابهی به دست آوردند. پزدک^۱ (۲۰۰۳) نیز مطالعه‌ای بروی آزمودنی‌های نیویورک و کالیفرنیا و هاوایی در مورد حادثه ۱۱ سپتامبر انجام داد. آزمودنی‌های نیویورکی خاطرات صحیح‌تری در مورد جزئیات رخداد داشتند اما شرکت‌کنندگان هاوایی و کالیفرنایی برای خاطرات اتوبیوگرافی نمره‌ی بالاتری کسب کردند مانند وقتی این خبر را شنیدید کجا بودید؟ چه کار می‌کردید؟

همچنان که پیشتر گفته شد عده‌ایی از محققان اعتقاد دارند که حافظه فلاش بالب دارای مکانیسم‌های شناختی خاصی است به طوری که این تفاوت ساختاری باعث تمایز آن از دیگر حافظه‌ها می‌شود. محققین این گروه به دو دسته از شواهد عصب‌شناختی و روان‌شناختی اشاره می‌کنند یکی از مهم‌ترین شواهد روان‌شناختی، چگونگی تأثیر گذشت زمان است. عده‌ایی بر این باورند که FBM تحت تأثیر گذشت زمان نیست و یا کمتر اثر می‌پذیرد (اندرسون^۲، ۲۰۰۵). در این راستا پژوهش‌هایی صورت گرفته است. تامسن (۲۰۰۵) در پژوهشی به بررسی میزان دقت و روشنی خاطرات FBM آزمودنی‌ها از جنگ جهانی دوم پرداخته است و نتیجه گرفته که علی‌رغم گذشت سال‌های زیادی از آن رویداد، خاطرات مربوط به آن حادثه کمتر تحریف شده است. در پژوهش نیسر و همکاران (۱۹۹۲، به نقل از اسمیت و کاسلین، ۲۰۰۹) اثر گذشت زمان بر اطلاعات محوری و حاشیه‌ای مطالعه شد. در این پژوهش با توجه به رویداد انفجار سفینه فضایی چالنجر به فاصله‌ی چند روز و چند سال بعد از حادثه، از آزمودنی‌ها سوال‌هایی شد نتایج نشان داد که در زمینه‌ی اطلاعات هیجانی رویداد، تحریف‌هایی وجود دارد. در

1- Pezdek

2- Anderson

عین حال، همه‌ی آزمودنی‌ها به دقت حافظه‌شان کاملاً اطمینان داشتند. همچنین در پژوهش‌های تالاریچو^۱ و روبین^۲ (۲۰۰۳) نتایج مشابهی در تحلیل چند حمله‌ی تروریستی دیده شد.

با وجود مطالعات بسیاری که در زمینه‌ی حافظه‌ی فلاش بالب صورت گرفته است در مورد مؤلفه‌های مؤثر بر شکل‌گیری حافظه‌ی فلاش بالب هنوز بحث‌های زیادی وجود دارد. همچنین در مورد تأثیر گذشت زمان بر حافظه فلاش بالب مطالعات چندانی صورت نگرفته است حال به دلیل اهمیت مؤلفه‌های مؤثر بر حافظه فلاش بالب، در این پژوهش ما بر آن شدیم تا تأثیر اطلاعات حاشیه‌ای و محوری و همچنین گذشت زمان را بر حافظه فلاش بالب مورد بررسی قرار دهیم. به عبارت دیگر هدف از انجام پژوهش حاضر از دو جنبه‌ی نظری و پژوهشی قابل بحث است. آیزنک و کین (۲۰۰۵) بر این باورند که نظام‌های شناختی حاکم بر حافظه‌ی آزمایشگاهی^۳ و حافظه‌ی معمولی^۴ با یکدیگر تفاوت دارند. از دیر باز گذشت زمان یکی از عوامل عدم‌بازیابی درست اطلاعات بوده است. در حالی که نظریه‌پردازان فعلی، بر این باورند که گذشت زمان نمی‌تواند منجر به عدم بازیابی شود و نمونه بارز آن پژوهش‌هایی است که در ارتباط با حافظه فلاش بالب صورت گرفته است. گذشت زمان باعث فراموشی حافظه‌ی آزمایشگاهی می‌شود ولی بر حافظه‌ی معمولی که حافظه‌ی فلاش بالب یکی از اقسام آن است تأثیر زیادی ندارد (رایزبرگ^۵ و هرتل^۶، ۲۰۰۹).

نمونه‌ی دیگر از این مجادله‌ی نظری در پدیده‌ی اثر خودارجاعی^۷ است. در این پدیده اطلاعاتی که راجع به خود فرد است بهتر از دیگر اطلاعات به یاد می‌آید. مهم‌ترین تبیین نظری آن این است که هر فردی از خودش یک خویش طرح‌واره دارد، قضاوت خودارجاعی باعث فعال شدن یک طرح‌واره می‌شود، در نتیجه برای بازیابی، سرنخ بسیار

1- Talaricho
3- laboratory memory
5- Reisberg
7- self-reference effect

2- Rubin
4- everyday memory
6- Hertel

مؤثری خواهد بود (آیزنک و کین، ۲۰۰۵).

با توجه به تبیین‌های فوق نتایج پژوهشی یکسان نبوده است. پژوهش‌هایی که در زمینه‌ی حافظه‌ی فلاش بالب صورت گرفته است از آنجایی که از اقسام حافظه‌ی معمولی است و به شدت تحت تأثیر ویژگی‌های بوم‌شناختی^۱ است به راحتی قادر به تعمیم دیگر رویدادها و فرهنگ‌ها نیست (یوتل^۲، اهتا^۳ و ساین تالر^۴، ۲۰۰۹). به همین دلیل ضرورت دارد که حافظه‌ی فلاش بالب در جامعه‌ی ایرانی با رویدادهای مختلف مطالعه شود.

روش

جامعه و نمونه‌ی آماری

طرح پژوهش حاضر از نوع نظری و پس رویدادی است. که از اهداف آن مطالعه علت‌های احتمالی یک الگوی رفتاری است. این پژوهش به بررسی بازیابی اطلاعات مربوط به رویداد خاص در افراد می‌پردازد و از آنجا که بازیابی رویدادها در سنین پایین بنابر پژوهش‌های کان وی و همکاران (۱۹۹۴) معنادار نیست و از میانسالی به بعد بازیابی رویدادها معنادار می‌شود جامعه‌ی آماری در این پژوهش کلیه‌ی افراد ۳۰ سال به بالا در سطح شهر تهران در نظر گرفته شد بزرگی جامعه‌ی مورد مطالعه و در دسترس نبودن فهرست کامل تمام این افراد موجب شد از نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شود. برای محاسبه‌ی حجم نمونه‌ی انحراف معیار در مطالعات مشابه از جمله پژوهش جدی و کرمی نوری (۱۳۷۸) مورد بررسی قرار گرفت و حجم نمونه ۵۶۰ نفر در نظر گرفته شد که با توجه به افت نمونه و مخدوش بودن برخی از پرسشنامه‌ها تعداد ۵۴۵ نفر با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بدین ترتیب انتخاب شدند. که ابتدا به طور تصادفی ۵ ناحیه در پنج منطقه‌ی شهر تهران: شمال (۱)، جنوب (۱۱)، شرق (۴)،

1- ecological
3- Ohta

2- Uttl
4- Siegenthaler

غرب (۵) و مرکز تهران (۶) انتخاب و از هر ناحیه به طور تصادفی ۱۱۰ نفر (۵۵ مرد و ۵۵ نفر زن) انتخاب شد.

ابزار اندازه‌گیری

پرسشنامه‌ی FBQ: برای جمع‌آوری اطلاعات در زمینه‌ی حافظه‌ی فلاش بالب از پرسشنامه‌ی FBQ با ۹ سؤال با پاسخ‌های باز و چندگزینه‌ای که با اقتباس از پرسشنامه‌ی کریستین سون (۱۹۸۹) طراحی شده، استفاده شد. ۴ سؤال اول پرسشنامه‌ی اطلاعات محوری است که شامل بازیابی اطلاعات مربوط به زمان، مکان، فعالیت جاری فرد و فرد همراه آزمودنی در آن رویداد خاص مورد نظر آزمودنی می‌باشد و سؤالات ۵-۶-۷ اطلاعات حاشیه‌ای مربوط به بازیابی اطلاعاتی نظیر واکنش دیگران نسبت به رویداد، نوع لباس فرد و اولین فکر فرد در آن رویداد خاص است و سؤالات ۸-۹ برای خاطرات قبل و بعد از رویداد است. همچنین برای بررسی تأثیر گذشت بر حافظه‌ی فلاش بالب گذشت زمان به صورت ۵ ساله در هشت طبقه مشخص شد و از آزمودنی‌ها خواسته شد تا مشخص کنند بعد از گذشت چند سال آن رویداد خاص را هنوز به یاد می‌آورند. هر یک از آزمودنی‌ها در هر یک از سوال‌های ۱-۹ میزان اطمینان به پاسخ خود در مورد رویداد را که به صورت حدس، تقریباً مطمئن، کاملاً مطمئن در پرسشنامه مشخص شده است تعیین می‌کنند. این آزمون قبلاً برای نمونه‌های ایرانی استفاده شده بود (جدی و کرمی نوری، ۱۳۷۸). در این پژوهش نیز در یک بررسی مقدماتی پایایی این پرسشنامه ۰/۷۲ به دست آمد.

شیوه‌ی اجرای آزمون به این صورت بود که ابتدا توضیحاتی درباره‌ی ضرورت و هدف آزمون به هر یک از آزمودنی‌ها داده شد سپس پرسشنامه به صورت انفرادی به افراد داده شد تا به سؤالات پاسخ دهند. نمره‌گذاری پرسشنامه با در نظر گرفتن ملاک‌های نمره‌گذاری کریستین سون (۱۹۸۹) انجام شد. به گزینه‌ی حدس نمره‌ی صفر، گزینه‌ی

تقریباً مطمئن نمره‌ی یک و به گزینه کاملاً مطمئن نمره دو، تعلق گرفت. داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری نظیر آزمون t و χ^2 دو بررسی شد.

یافته‌ها

در این قسمت به بررسی فرضیه‌های پژوهش می‌پردازیم:

فرضیه‌ی اول: بین اطلاعات حاشیه‌ای و محوری در تشکیل حافظه‌ی فلاش بالب تفاوت وجود دارد.

جدول (۱) شاخص‌های آماری مربوط به اطلاعات حاشیه‌ای و محوری

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
۵۴۵	۱/۳۶۱۹	۰/۶۰۱۲۷	۰/۰۲۵۷۶
۵۴۵	۱/۰۸۶۲	۰/۶۹۳۴۷	۰/۰۲۹۷۱

در جدول ۱ میانگین مربوط به اطلاعات محوری ۱/۳۶ نشان داده شده که بیشتر از میانگین اطلاعات حاشیه‌ای است.

جدول (۲) نتایج آزمون t در مقایسه‌ی اطلاعات حاشیه‌ای و محوری

متغیر	t	درجه آزادی	سطح معناداری	اختلاف میانگین
محوری اطلاعات	۱۴/۰۵۲	۵۴۴	۰/۰۰۱	۰/۳۶۱۹
حاشیه‌ای اطلاعات	۲/۹۰۳	۵۴۴	۰/۰۰۴	۰/۰۸۶۲

در این پژوهش برای مشخص شدن تفاوت میانگین بین بازیابی اطلاعات حاشیه‌ای و محوری در تشکیل حافظه‌ی فلاش بالب مجموع نمرات گویه‌های مربوط به هر یک از اطلاعات حاشیه‌ای و محوری محاسبه و میانگین نمرات به دست آمد و در نهایت از t مستقل برای دو گروه اطلاعات استفاده شد.

براساس نتایج جدول شماره ۲ وجود تفاوت معنادار بین اطلاعات حاشیه‌ای و محوری در تشکیل حافظه‌ی فلاش بالب در سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ تأیید می‌شود. فرضیه‌ی دوم: گذشت زمان بر شکل‌گیری حافظه‌ی فلاش بالب تأثیر دارد.

جدول (3) آمار توصیفی مرتبط با گذشت زمان و حافظه‌ی فلاش بالب

متغیر (سال)	1-5	6-10	11-15	16-20	21-25	26-30	31-35	36-40	41 بالاتر	کل
میانگین حافظه	۰	۳	۲	۱	۱	۱۸	۴	۳	۰	۲۵۱
	۱	۷۱	۵۰	۲۹	۴۷	۲۶	۱۸	۳	۳	۲۵۱
	۲	۹۳	۷۲	۳۵	۳۲	۳۲	۱۰	۲	۱	۲۸۴
کل	۴	۱۶۷	۱۲۵	۶۶	۸۰	۵۹	۲۸	۵	۴	۵۴۵

در این پژوهش برای آنکه میزان فراوانی بازیابی رویداد خاص در بازه‌ی زمانی ۱-۴۱ سال قابل اندازه‌گیری باشد صرفاً آمار توصیفی حافظه‌ی فلاش بالب در آن بازه‌ی زمانی استخراج شد و یکسان‌سازی به لحاظ زمانی صورت نگرفت و توزیع فراوانی را در طول سال‌ها به دست آوردیم.

جدول (4) آزمون خی دو برای بررسی تأثیر گذشت زمان بر حافظه

مقدار	درجه آزادی	سطح معناداری
۱۵/۱۹۳	۱۶	۰/۵۱۱
خی دو		

همانگونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود فرضیه تأثیر گذشت زمان بر حافظه‌ی فلاش بالب رد شده است. به این معنا که گذشت زمان بر یادآوری خاطرات FBM تأثیر معناداری نداشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این مطالعه بین اطلاعات حاشیه‌ای و محوری در تشکیل حافظه‌ی فلاش بالب تفاوت وجود دارد. همچنین تأثیر گذشت زمان بر یادآوری حافظه‌ی فلاش بالب رد شده است. مطالعه‌ی جدی و کرمی نوری (۱۳۷۸)، کریستین سون (۱۹۸۹)، کریستین سون و لفتوس (۱۹۸۷)، بانیر (۲۰۰۸) نیز یادآوری اطلاعات محوری را بیشتر از یادآوری اطلاعات حاشیه‌ای نشان می‌دهد. همچنین نتایج پژوهش‌های اندرسون (۲۰۰۵)، تامسن (۲۰۰۵) و تالارچیو و روبین (۲۰۰۳) نشان داد که یادآوری آزمودنی‌ها با گذشت زمان از ثبات بیشتری برخوردار است که با نتایج پژوهش حاضر هماهنگ است.

در مورد FBM دو رویکرد وجود دارد: یک رویکرد قائل به طبقه‌ی مجزایی از حافظه به عنوان FBM است که با مکانیسم خاص به وجود می‌آید. رویکرد دیگر مخالف با فرضیه‌ی مکانیسم خاصی از این حافظه‌ی است (ماری^۱، ۲۰۰۷). یافته‌های پژوهش حاضر با رویکرد نخست همخوان است. همچنان که اندرسون (۲۰۰۵) نیز معتقد است وجود مکانیسم‌های شناختی خاص حافظه‌ی فلاش بالب موجب تمایز آن از دیگر حافظه‌ها می‌شود. وی به شواهد عصب‌شناختی و روان‌شناختی اشاره کرده و بیان می‌کند که چگونگی تأثیر گذشت زمان یکی از مهم‌ترین شواهد روان‌شناختی است. و بر همین اساس برخی از محققین بر این باورند که حافظه‌ی فلاش بالب تحت تأثیر گذشت زمان نیست (کاویشویلی و همکاران ۲۰۰۳).

در اغلب مطالعات حافظه فلاش بالب، از جمله براون و کولیک (۱۹۷۷)، کان وی و همکاران (۱۹۹۴)، کریستین سون (۱۹۸۹) هیجان و اهمیت رویداد به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی در شکل‌گیری حافظه‌ی فلاش بالب و بقای این حافظه مطرح شده است. به نظر می‌رسد که میزان هیجان تجربه شده در یک رویداد، موجب برجستگی و تمایز آن از دیگر رویدادها و در نتیجه باعث تمرکز و توجه انتخابی فرد بر روی اطلاعات

1- Marry

مهم و محوری و جلوگیری از پردازش بیشتر اطلاعات حاشیه‌ای می‌شود. از آنجا که در پژوهش حاضر از آزمودنی خواسته شده با در نظر گرفتن مهم‌ترین رویداد زندگی خود به پرسشنامه مذکور پاسخ دهد می‌توان گفت اطلاعات محوری (زمان، مکان، فعالیت جاری، فرد همراه) بر اثر اهمیت بیشتری که نسبت به اطلاعات حاشیه‌ای (نوع لباس، اولین فکر، واکنش افراد) برای فرد داشته است بهتر یادآوری شده است.

در تحقیقات نیسر و همکاران (۱۹۹۲)، یارمی و بول (۱۹۸۷)، براون و کولیک (۱۹۷۷) اثر درگیری و مربوط بودن رویداد به فرد در حافظه‌ی فلاش بالب نشان داده شده است. در این پژوهش نیز به دلیل آنکه فرد در رویدادی که عنوان کرده است کاملاً درگیر بوده روشن است که یادآوری دقیقی از اطلاعات محوری داشته باشد. بر اساس نظر براون و کولیک مکانیزم عصبی خاصی وجود دارد که بر اثر سطوحی از هیجان و اهمیت رویداد راه‌اندازی می‌شود و این مکانیزم سبب می‌شود تمام جزئیات در حافظه ضبط شود (اسمیت و کاسلین، ۲۰۰۹). همچنین در پژوهشی پاتریک^۱ و الیزابت^۲ (۲۰۰۲) شواهد زیستی لازم جهت وجود حافظه‌ی فلاش بالب و تفاوت آن با انواع دیگر حافظه را ارائه دادند. آنها از یافته‌های خودشان نتیجه گرفتند که آسیب به لب پیشانی و آمیگدالا باعث کاهش عملکرد حافظه فلاش بالب می‌شود.

در مجموع با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که بین اطلاعات محوری و حاشیه‌ای در شکل‌گیری حافظه‌ی فلاش بالب تفاوت وجود دارد بدین صورت که اطلاعات محوری بیشتر از اطلاعات حاشیه‌ای موثر بوده است و گذشت زمان بر بازیابی رویداد مربوط به حافظه فلاش بالب تأثیری نداشته است.

تاریخ دریافت نسخه‌ی اولیه‌ی مقاله: ۸۸/۳/۱۶

تاریخ دریافت نسخه‌ی نهایی مقاله: ۸۸/۱۰/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۴/۱۷

1- Patrick

2- Elizabeth

References

منابع

- جدی، معصومه؛ کرمی‌نوری، رضا (۱۳۷۸). اثر نوع ارزیابی و نوع اطلاعات در شکل‌گیری حافظه‌ی فلاش بالب، فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، سال اول، شماره دوم و سوم.
- کرمی‌نوری، رضا. (۱۳۸۳). روانشناسی حافظه و یادگیری: با رویکرد شناختی، تهران انتشارات سمت.
- Anderson, J. R. (2005). *Cognitive Psychology and Its Implications*, 2 nd Edition. New York: W.H. Freeman, 103-134.
- Barnier, Amanda, J., Sutton, J., Harris, B., & Wilson, Robert, A. (2008). *A Conceptual and Empirical Framework for the Social Distribution of Cognition: The Case of Memory*, *Cognitive Systems Research*, Volume 9, Issues 1-2, Pages 33-51.
- Brown, R., & Kulik, J. (1977). Flashbulb Memories, *Cognition*, 5, 73-99.
- Christianson, S.A. (1989). Flashbulb Memories: Special, but not Special, *Memory and Cognition*, 17(5), 435-443.
- Christianson, S.A. & Loftus, E.F. (1987). Memory for Traumatic Events, *Applied Cognitive Psychology*, 1, 225-239.
- Conway, MA., Anderson, SJ, Larsen, SF, Donnelly, CM., MC Daniel, MA., Mc Clelland, AGR., Rawels, RE., & Logie, RH. (1994). The Formation of Flashbulb Memories, *Memory & Cognition*, 22, 326-343.
- Kvavilashvili, L., Mirani, J., Schlagman, S., Konrbrot, D.E. (2003). Comparing Flashbulb Memories of September 11 and the Death of Princess Diana: Effects of Time Delays and Nationality, *Applied Cognitive Psychology*, 17, 1017-1031.
- Lee, P.J., & Brown, N.R. (2003). Delay Related Changes in Personal Memories for September 11, 2001, *Applied Cognitive Psychology*, 17(9), 1007-1015.
- Marry, B., Howes, (2007). *Human Memory*, Saye Publications.

- Patrick, S.R. Davidson & Elizabeth, L. Glisky, (2002). Is Flashbulb Memory A Special Instance of Source Memory? Evidence from Older Adults, *Memory*, 2002, 10(2), 99-111.
- Pezdek, K. (2003). Event Memory and Autobiographical Memory for the Events of September 11, 2001, *Applied Cognitive Psychology*, 17, 1033-1045.
- Reisberg, D., & Hertel, P. (2009). *Memory and Emotion*, *Oxford University Press*.
- Smith, Edward, E., & Kosslyn, Stephen, M. (2009). *Cognitive Psychology*, *Pearson Prentice Hall*.
- Talaricho, J.M., & Rubin, D.C. (2003). Confidence, Not Consistency, Characterizes Flash Bulb Memories, *Psychological Science*, 14, 455-461.
- Thomsen, D.K. (2005). Personal Memory for Remote Historical Events: A Curacy and Clarity of Flashbulb Memories Related to World War II, *Journal of Experimental Psychology: General* Volume 134, Issue 2, Pages 242-257.
- Uttl, Bob, Ohta, Nobuo, Siegenthaler, A.L., (2009). *Memory and Emotion*, *Blackwell Publishing Ltd*.
- Weaver, C.A. (1993). Do You Need a Flash to Form a Flashbulb Memory? *Journal of Experimental Psychology: General*, 122(1), 39-46.
- Yarmey, A.D. & Bull, M.P. (1978). Where You Were When President Kennedy Was Assassinated? *Bulletin of the Psychonomic Society*, 11 (2), 133-135.